

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

گروه الهیات-فقه و مبانی حقوق اسلامی

## آیات الاحکام حکومتی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته الهیات

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

فاطمه شکوئی

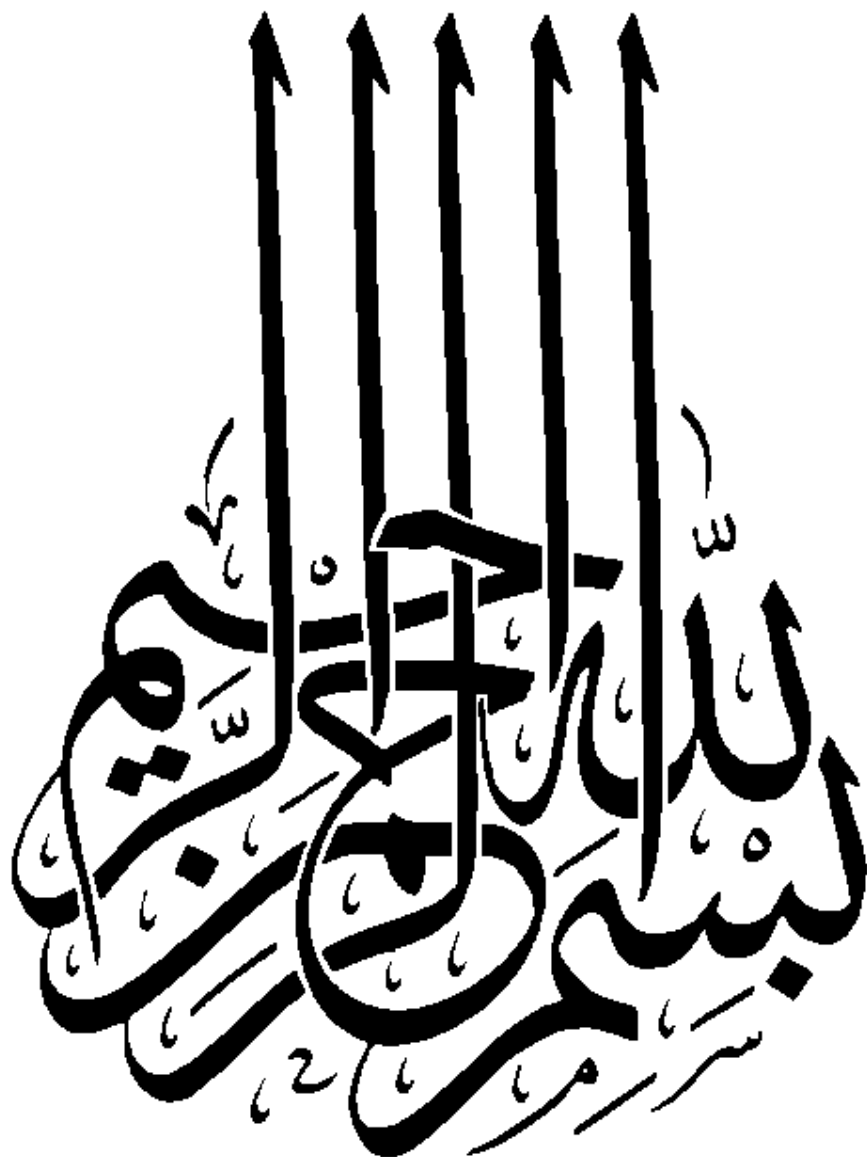
استاد راهنما:

مهدی رهبر

استاد مشاور:

اسدالله لطفی

مهر ماه ۱۳۹۲



## تقديم به

پدر و مادر عزيزم

## تشکر و قدردانی:

### با سپاس از والای بی همتا

بر خود لازم می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های بی دریغ اساتید ارجمند، آقایان دکتر مهدی رهبر و دکتر اسدالله لطفی که در مراحل مختلف تحقیق و تدوین این پایان‌نامه راهگشای اینجانب بودند، کمال سپاس را ابراز دارم.

فرم پ ۱-۲ : فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری.....  
 دانشجوی رشته ..... گرایش .....  
 تحت عنوان ..... در  
 تاریخ ۱۳ / / در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه / رساله با نمره به عدد ..... و به حروف ..... با  
 درجه ..... مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتب‌ی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					

\* در صورت وجود استاد راهنمای دوم برای پایان نامه / رساله، یک ردیف با عنوان استاد راهنمای دوم، ذیل ردیف  
 استاد راهنما اضافه شود.

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیأت داوران، در پایان نامه / رساله درج می گردد.



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب فاطمه شکوئی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱ از پایان نامه ی خود تحت عنوان آیات الاحکام حکومتی با کسب درجه ی بسیار خوب (نمره ۱۸) دفاع کرده ام، شرعا و قانونا متعهد می شوم:

۱. مطالب مندرج در این پایان نامه، حاصل تحقیق و مطالعه اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و غیره استفاده کرده ام، با رعایت کامل امانت، مطابق مقررات، اقدام به ارجاع در متن و ذکر آن در فهرست منابع و مآخذ نموده ام.

۲. تمامی یا بخشی از این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی به سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳. مقالات مستخرج از این پایان نامه کاملا حاصل کار اینجانب بوده و از هرگونه جعل داده و یا تغییر اطلاعات پرهیز کرده ام.

۴. از ارسال همزمان و یا تکراری مقالات مستخرج از این پایان نامه (با بیش از ۳ درصد همپوشانی) به مجلات و یا همایش های گوناگون خودداری نموده و می نمایم.

۵. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از این پایان نامه متعلق به دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) بوده و متعهد می شوم هرگونه بهره مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (چه در زمان دانشجویی و یا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از استاد (استادان) راهنما باشد.

۶. در صورت اثبات تخلف و نقض موارد پنجگانه فوق (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

فاطمه شکوئی

امضاء



## سوگندنامه دانش آموزان کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

### به نام خدا

سپاس ایزد منان را که مرا مشمول الطاف خویش نمود که با طی مراحل تحصیل موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد شوم. به شکرانه این نعمت بزرگ الهی که با امکانات این مرز و بوم، فراهم و نزد اینجانب به امانت گذاشته شده است، در پیشگاه ملت ایران به کتاب آسمانی خود، قرآن کریم، سوگند یاد می کنم که :

- در سراسر زندگی حرفه ای، در راه اعتلای کشور ایران و جامعه بشری به نحو احسن قدم برداشته و در این راه از هیچ تلاشی دریغ ننمایم.
- در تمام فعالیت های تخصصی، رضای خدا را همراه با صداقت علمی و اجتماعی در نظر داشته و از موقعیت های به دست آمده در جهت رفع مشکلات جامعه استفاده کنم و در همه ی امور، منافع کشور را بر منافع فردی مقدم بدارم.
- همواره علم و دانش خود را به روز نگاه داشته و در ایفای مسئولیت و تعهدات حرفه ای در حد توان سعی و تلاش خود را به کار گیرم.
- و اینک از خداوند علیم توفیق بندگی و پای بندی به مفاد این سوگندنامه را خواستارم و از او می خواهم که مرا در ایفای رسالت علمی و انسانی خویش موفق بدارد.

فاطمه شکوئی

امضاء

### مجوز بهره برداری از پایان نامه/ رساله

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه/ رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- ☐ بهره برداری از این پایان نامه/ رساله برای همگان بلامانع است.
- ☐ بهره برداری از این پایان نامه/ رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- ☐ بهره برداری از این پایان نامه/ رساله تا تاریخ ..... ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشد.

نام استاد و یا اساتید راهنما:

تاریخ:

امضاء:



## چکیده:

قرآن کریم کتابی است که در قرن‌های متمادی، منبع فیاض و جوشان معارف و راهبردهای مختلف بوده و هست و در قرون و اعصار، انسان‌های طالب حقیقت را به سوی رشد و تعالی رهبری کرده است. گرچه متن قرآن، محدود و معصوم از خطا و تحریف زاید است اما در عرصه تفسیر و برداشت از این کتاب آسمانی، مطالب گوناگون و احیاناً متضادی به آن نسبت داده شده است. از جهت جامعه شناسی، آن نوع برداشت‌ها به بی اعتمادی نسبت به مجموعه چنان تفسیرهایی می‌انجامد ولی به لحاظ نظری، ضرورت تأمل روشمند و برداشت‌های مستند را دوچندان می‌سازد و زمینه‌های به جان شنیدن هر چه بیش‌تر سروش آسمانی قرآن را فراهم می‌آورد. از جمله موضوعات بسیار حساس و مهم که از دیرباز محل نزاع قرآن پژوهان است، معارف حکومتی قرآن کریم است. اینکه آیا کلام الله مجید و به تعبیر گسترده‌تر دین اسلامی به شؤون اجتماعی زندگی بشر توجه داشت است یا نه، و در صورت مثبت بودن پاسخ، در چه حدی به آن پرداخته است؟ از سؤالات دامنه داری است که مطرح شده است. بویژه آنکه در یکی دو قرن اخیر، بر اثر تحولات ایجاد شده در کشورهای اسلامی، دو گرایش دین‌گریزی و دین‌گرایی در عرصه حکومت‌های اسلامی با یکدیگر رویا روی گشته است.

پایان نامه حاضر در سه بخش به بررسی حوزه‌های مختلف کارکردی حکومت اسلامی در بیان قرآن کریم پرداخته است و سعی شده است تا با مراجعه به تفاسیر و مقالات در این خصوص نسبت به تبیین جوانب این امر تلاش گردد. نتایج نشان می‌دهد قرآن در خصوص بسیاری از امور خط مشی‌های کلی‌ای را ترسیم نموده است که با استفاده از آنها می‌توان به کمک فقهات حکومتی به دستور العمل‌های مشخصی در خصوص نحوه حکومت اسلامی دست یافت.

واژگان کلیدی: قرآن، حکومت، حاکم

## فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: حکومت و ماهیت آن.....	۲
حوزه معنایی حکومت.....	۳
حکومت در قرآن.....	۴
تعریف آیات الاحکام حکومتی.....	۷
ارکان تشکیل حکومت.....	۷
تعریف دولت.....	۸
تمایز حکومت و دولت.....	۹
انواع حکومت.....	۹
الف) تقسیمات سه گانه حکومت ها (بر اساس تعداد حاکمان).....	۱۰
ب) طبقه بندی حکومت ها به متمرکز و فدرال.....	۱۳
ج) طبقه بندی حکومت بر حسب مشارکت شهروندان.....	۱۳
حکومت توتالیتیر.....	۱۴
حکومت دموکراسی.....	۱۵
د) طبقه بندی حکومت ها بر حسب جهان بینی.....	۱۵
حکومت الهی.....	۱۵
حکومت طاغوتی.....	۱۷
ویژگی های نظام طاغوتی.....	۱۷
دیکتاتوری، استبداد و خودکامگی.....	۱۷
انحصار طلبی (استثثار).....	۱۷
قدرت طلبی.....	۱۸
ماهیت و رسالت حکومت در اسلام.....	۱۸
اختیارات حکومت اسلامی.....	۲۰

نظریه پیوند دین با سیاست و حکومت .....	۲۵
<b>فصل دوم: مبانی قرآنی حکومت اسلامی</b> .....	۲۷
گفتار اول: آیات مبتنی بر ضرورت حکومت اسلامی در جوامع انسانی .....	۲۸
بند اول: آیاتی که اقامه قسط و عدل را هدف غایی رسالت می دانند .....	۲۸
بند دوم: آیات دال بر جامعیت و جهان شمولی و دین .....	۳۰
بند سوم: حکومت و رهبری، جزء متمم دین و رسالت قلمداد شده است .....	۳۵
بند چهارم: ملازمه خطابات عمومی قرآن با حکومت دینی .....	۳۷
بند پنجم: وجود احکام خاص نهادهای ویژه و راهبردهای جزئی سیاسی .....	۳۸
بند ششم: آیاتی که حق حکومت، قانون گذاری، داوری و حکم رانی را منحصر به خدا می داند ..	۳۹
بند هفتم: آیاتی که رهبری و امامت را پیمانی الهی به حساب می آورد .....	۴۱
بند هشتم: آیاتی که تحاکم، پیروی و پذیرش سلطه گروه های زیر را به دلالت مطابقی یا التزامی نفی می کند .....	۴۱
الف. طاغوت .....	۴۱
ب. کافران .....	۴۲
ج. فاسقان .....	۴۲
د. ظالمان .....	۴۲
ه - و. گنهکاران و ناسپاسان .....	۴۳
ز. نابخردان .....	۴۳
ح. اسراف پیشگان و فسادگران .....	۴۳
پ. غافلان و هواپرستان .....	۴۳
ی. کسانی که عمل زشت خود را نیکو می پندارند .....	۴۳
ک. جاهلان: .....	۴۳
بند نهم. آیاتی که هرگونه ولایت پذیری غیر الهی را نفی می کند .....	۴۴
گفتار دوم: آیات الزام به پیروی از دستورات نبی .....	۴۴
آیاتی که حق مخالفت با حکم و داوری خدا و پیامبر را سلب می کند .....	۴۴

- گفتار سوم : صفات حاکم از دید قرآن..... ۴۵
- بند اول: قدرت و توانایی علمی و جسمی..... ۴۶
- بند دوم : امانت‌داری و تعهد..... ۴۷
- بند سوم : عدالت‌پیشگی و پرهیز از ظلم..... ۴۷
- بند چهارم : بصیرت و پیروی از وحی..... ۴۸
- بند پنجم : هدایت یافتگی و هدایت‌گری..... ۴۸
- بند ششم: ایمان..... ۴۸
- بند هفتم : احسان به مردم..... ۴۹
- بند هشتم : مشورت، کارآمدی و مدیریت..... ۵۰
- گفتار چهارم : حقوق متقابل مردم و حکومت..... ۵۱
- حقوق مردم در قرآن..... ۵۱
- بند اول : حق انتخاب در حکومت اسلامی..... ۵۲
- ۱- نظریه اهل حل و عقد..... ۵۲
- ۲- نظریه حکومت الهی-مردمی..... ۵۳
- ۳- نظریه ولایت فقیه..... ۵۳
- بند دوم : حق مشورت با مردم در حکومت اسلامی..... ۵۴
- بند سوم : حق نظارت مردم بر حکومت..... ۵۷
- بند چهارم : حق بر آموزش..... ۵۹
- بند پنجم : حق آزادی بیان و عقیده..... ۶۰
- بند ششم : امنیت..... ۶۱
- حقوق حکومت اسلامی..... ۶۲
- بند اول: نظارت اجتماعی..... ۶۲
- بند دوم : اطاعت مردم از برنامه های حکومت اسلامی..... ۶۲
- بند سوم : وفاداری مردم نسبت به حکومت..... ۶۳

بند چهارم: خیر خواهی.....	۶۳
گفتار پنجم: روابط خارجی حکومت اسلامی.....	۶۳
اصول سیاست خارجی در قرآن.....	۶۵
اصول سیاست خارجی اسلام.....	۶۶
۱. اصل دعوت یا جهاد.....	۶۷
۲. اصل نفی سیل.....	۷۲
۳. اصل عزت اسلامی.....	۷۴
۴. اصل التزام به پیمان‌های سیاسی.....	۷۵
قرآن و تعارض در مسائل بین المللی.....	۷۷
گفتار ششم: حکومت اسلامی و اقلیت‌های مذهبی.....	۷۷
بند اول: قرآن کریم و آزادی عقیده و فکر.....	۷۷
بند دوم: قرآن و دعوت به همزیستی مسالمت آمیز با توجه به اصول مشترک.....	۷۸
بند سوم: قرآن کریم و نفی نژاد پرستی.....	۷۹
بند چهارم: گفت و گوی مسالمت آمیز از منظر قرآن.....	۷۹
بند پنجم: قرآن و استقبال از پیشنهاد صلح.....	۸۰
بند ششم: قرآن و پذیرش حقوق اقلیتها.....	۸۱
بند هفتم: قرآن و به رسمیت شناختن انبیا و کتابهای آسمانی گذشته.....	۸۱
<b>فصل سوم: نتیجه گیری.....</b>	<b>۸۳</b>
<b>منابع.....</b>	<b>۹۹</b>

## مقدمه

قرآن به عنوان برنامه ای جامع برای هدایت جوامع بشری در زمینه های مختلف رهنمودهایی ارائه کرده است. از جمله اموری که انسان ها در طول حیات خود با آن در ارتباط می باشند مسئله حکومت و حاکمان می باشد. قرآن در آیات متعدد با اشاره به این موضوع، احکامی در مورد ضرورت حکومت، شرایط حاکم اسلامی، حقوق و تکالیف مردم و حاکمان بیان داشته است.

آیات الاحکام حکومتی آیاتی هستند که متکفل بیان اموری در مورد حکومت اسلامی و مولفه های آن می باشند که با بررسی و تحلیل این آیات نکات ارزشمندی در مورد نحوه حکومت و زمامداری از منظر قرآن به دست می آید که در این تحقیق به آنها پرداخته شده است.

شناخت دقیق معنا و مفهوم آیات الاحکام حکومتی و شناخت شرایط و ویژگی های حاکمان از اهداف این تحقیق می باشند در کنار این اهداف شناخت حقوق و تکالیف متقابل مردم و حکومت از منظر قرآن نیز دارای اهمیت بوده و مورد بررسی قرار گرفته است. برای دستیابی به اهداف یاد شده با مراجعه به تحقیقات مشابه تعریف دقیقی از آیات الاحکام حکومتی بررسی شد و مشخص گردید. آیاتی که در قرآن امور مربوط به حکومت از جمله ضرورت تشکیل حکومت صفات و شرایط حاکم و حکومت و روش زمامداری را بیان می کند، آیات الاحکام حکومتی نامیده می شوند. همچنین مولفه هایی مانند مشروعیت حکومت، برقراری عدالت و قسط در جامعه (سوره ص آیه ۲۶)، علم و آگاهی و بصیرت و حق طلبی حاکمان و ... از جمله صفات حکومت و حاکمان است که مورد بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر برای بررسی هدف سوم آیاتی مورد بررسی قرار گرفت که در آنها شاخص هایی مانند اطاعت و تبعیت از حاکم اسلامی و همکاری با او، طرف مشورت بودن مردم از طرف حکومت، رعایت آزادی های مشروع و حمایت از آن از طرف حکومت بیان شده است.

مفسران در کتب تفسیری (مانند مجمع البیان طبرسی و تفسیر المیزان علامه طباطبائی) آیات قرآن را مورد تفسیر قرار داده اند، همچنین عده ای از علما (مانند مقدس اردبیلی: زبدۀ البیان فی آیات الاحکام و فاضل مقداد: کنز العرفان فی الفقه ال قرآن) کتبی تحت عنوان آیات الاحکام تالیف کرده اند، اما آیاتی که مربوط به حکومت است به طور مستقل محور بحث قرار نگرفته اند و تلاشهایی که صورت گرفته است یا به صورت پراکنده بوده و یا در کتب مربوط به حکومت اسلامی (ولایت فقیه آیت الله منتظری و مبانی حکومت اسلامی دکتر سبحانی) ذیل بحث های مختلف اشاره جزئی نیز به آیات شده است. اما تا کنون به صورت دقیق و از منظر های یاد شده در بخش اهداف به مقوله شناخت آیات الاحکام حکومتی پرداخته نشده است.

## فصل اول

### حکومت و ماهیت آن

## حوزه معنایی حکومت

حکومت از واژه حکم بر گرفته شده است و حکم در زبان تازی به معنای منع و جلوگیری از اصلاح<sup>۱</sup> و جلوگیری از ظلم و ستم است.<sup>۲</sup> ابن منظور در کتاب ارزشمند لسان العرب با نگاهی به واژه شناسی آن می گوید: به حاکم از آن رو حاکم گفته می شود که ستمگر را از ستمگری باز می دارد و جلوی ظلم وی را می گیرد.<sup>۳</sup>

در مفهوم اصطلاحی آن، حکومت به فرآیند اعمال سیاست ها و تصمیمات از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی گفته می شود. گاه مراد از آن مجموعه مقامات رسمی مسئول گفته می شود که تصمیمات سیاسی آن می بایست اجرایی شود و نمی توان از آن سرپیچی و یا تمرد نمود.<sup>۴</sup>

در تعریف حکومت گفته اند: حکومت عبارت است از مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات هر کدام از آنها و روابطی که میان اندامهای حکومتی موجود است.<sup>۵</sup>

در فرهنگ سیاسی آمده است: (حکومت یعنی، تشکیلات سیاسی و اداری کشور و چگونگی و روش اداره ی یک کشور یا واحد سیاسی. تشکیلات دولت که علاوه بر نمایندگی های اجرایی، معمولاً از سه بخش مجریه، مقننه و قضاییه تشکیل می شود. مجموعه ی بنیادهای سیاسی، قوانین و آداب و رسومی که حاکمیت از طریق آنها اعلام می شود).<sup>۶</sup>

لازم به ذکر است که دو واژه ی (حکومت) و (دولت) در برخی موارد معنای مرادف و در برخی موارد مترادف با یکدیگر دارند. اگر دولت را قدرت سیاسی سازمان یافته ای که امر و نهی می کند، تعریف کنیم مرادف با حکومت می شود. بر طبق این تعریف، دولت به معنای قوه ی مجریه ی کشور و هیأت دولت نیست، بلکه به مفهوم هیأت حاکم است که قانونگذاری، سیاست گذاری، اجرا، قضاوت و برقراری نظم و امنیت را بر عهده دارد.

لذا، گرچه تعریف های مختلفی از واژه حکومت در کتابهای علوم سیاسی ارایه شده است، اما می توان حکومت را به طور ساده این گونه تعریف کرد: ارگانی رسمی که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه نظارت داشته، و سعی می کند که به رفتارهای اجتماعی مردم جهت ببخشد. اگر مردم از راه مسالمت آمیز، جهت

<sup>۱</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، ج ۱، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸.

<sup>۲</sup> ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۹۷۹، ص ۹۱.

<sup>۳</sup> ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷، ص ۲۷۰.

<sup>۴</sup> شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲.

<sup>۵</sup> قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۲۲.

<sup>۶</sup> بخشی، علی آقا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵.



دهی را پذیرا شدند که خوب، و گرنه حکومت با توسل به قوه ی قهریه اهدافش را دنبال می کند؛ یعنی اگر کسانی از مقررات وضع شده که برای رسیدن به هدف مورد نظر حکومت لازم است، تخلف کنند با کمک دستگاههای انتظامی مجبور به پذیرفتن مقررات می شوند، که این تعریف شامل حکومت های مشروع و نامشروع می شود.

(حاکمیت) در لغت به معنای تفوق و برتری است، و اصطلاحاً در بعد حقوقی آن به معنای حق صدور اوامر بلاشرط است. بر این مبنا، حاکمیت مطلق، به معنای حق فرمانروایی بی چون و چرا بر تمامی افراد است. در حاکمیت نیروی خواستن، قدرت آمره و نیروی فرماندهی مستقل وجود دارد.<sup>۱</sup> بسته به این که صدور فرامین از یک منبع مستقل باشد و یا منبع غیر مستقل، می توان حاکمیت را بر حاکمیت مطلق و نسبی تقسیم کرد. حاکمیت مطلق در اسلام و قانون اساسی از آن خداست، و حاکمیت نسبی به معنای حق حکمرانی انسانی بر همنوع خویش از جانب و اذن خداوند متعال است.

در مورد رابطه ی حکومت و حاکمیت، حکومت را تجلی و مظهر حاکمیت دانسته اند. یعنی این حکومت است که حاکمیت را در عالم خارج، به منصه ی ظهور و بروز می رساند. حاکمیت در واقع، قدرت برتری است که در حیطه ی دولت کشور، اراده ای فراتر از آن وجود ندارد، به گونه ای که در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی نمی پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی کند. هرگونه صلاحیتی ناشی از اوست، ولی صلاحیت او از نفس وجودی او بر می آید. ابن خلدون حاکمیت کامل را منحصر به حالتی می داند که برتر از نیروی او قدرت قاهری موجود نباشد.<sup>۲</sup>

## حکومت در قرآن

در یک تقسیم بندی کلی دو نظریه در باب حکومت و دولت از قرآن کریم برداشت شده است: الف - عده ای عقیده دارند که در قرآن کریم "حکومت دینی" به عنوان یک ضرورت اعتقادی مطرح شده است. آنها استدلال می کنند که:

۱- حکومت عقلاً و عملاً امری لازم و اجتناب ناپذیر است.

۲- حکومت و اعمال سلطه از آن خداوند است و هیچ کس را سزاوار نیست که بر آدمیان حکم براند و فرمان دهد. مگر کسانی که خداوند این حق را به آنها داده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> ارسنجانی، حسن، حاکمیت دولت ها، تهران، انتشارات کتابهای جیبی، ۱۳۴۸، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

<sup>۲</sup> ابن خلدون، مقدمه ی تاریخ، ترجمه ی دکتر گنابادی، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳، ص ۳۶۰.

<sup>۳</sup> انعام ۵۷ و ۶۲ و قصص ۷۰

۳- در میان آدمیان فقط پیامبران هستند که از طرف خداوند به اعمال سلطه و قدرت و فرمان بر آدمیان مأذون و مجازند (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ و... : پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و ...) <sup>۱</sup>، مگر کسانی که از طرف پیامبران مأذون باشند. در مورد اینکه چه کسی و کسانی از طرف خداوند و رسول (ص) مأذون به حاکمیت است بین دو نحله بزرگ اسلامی سنی و شیعه اختلاف وجود دارد. سنی ها بر این عقیده اند که پس از پیامبر (ص) شخص و گروه خاصی از طرف خداوند و رسول وی برای حاکمیت مسلمانان معین نشده و به استناد امرهم شوری بینهم<sup>۲</sup> و شاورهم فی الامر<sup>۳</sup> حق حاکمیت به مردم واگذار شده. اما شیعه براساس یک سلسله استدلال های کلامی و عقلی و با تاکید بر برخی روایات تاریخی (غدیر خم) و نیز با استناد به برخی آیات قرآن کریم (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ<sup>۴</sup> : ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد آری خدا گروه کافران را هدایت نمی کند) معتقدند که این حق حاکمیت و آمریت به امام علی (ع) و یازده فرزندش واگذار شده است و لذا از نظر شیعیان اولی الامر منحصرأ امامان معصوم شیعه اند. در استمرار این اندیشه نظریه ولایت فقیه مطرح شده است که مأذون از طرف امام برای حاکمیت تلقی می شوند.

ب- در مقابل گروهی عقیده دارند که اصولاً حکومت یک پدیده و مقوله عرض است و "موضوعاً" از حوزه دین و احکام دینی و شرعی خارج است و از آیات قرآن نیز حکومت دینی و لزوم تاسیس حکومت بر بنیاد دین استفاده نمی شود. این نظریه عموماً "بیعت" را مبنای مشروعیت حکومت و دولت می دانند و شورا (استفاده از عقل جمعی) را شیوه حکومت می دانند. اگر آیات قرآن کریم در باب حُکْم، حاکم و حکومت را در مورد توجه قرار دهیم، می توان گفت که حُکْم و مشتقات آن عموماً به معنای قضاوت و داوری در امور و یا به طور خاص امور حقوقی است <sup>۵</sup> و در روایات دینی در قرون نخستین اسلامی، نیز عمدتاً حکم و حکومت به معنای قضاوت در امور اختلافی و منازعات حقوقی بوده است. البته بعدها قضاوت به معنای آمریت سیاسی و دولت نیز تحویل شده به گونه ای که اکنون از حکومت و حاکمیت عموماً همان دولت و قدرت سیاسی در ذهن متبادر می شود. دلیل آن روشن است حکومت نیز خود نوعی قضاوت و داوری در جامعه است. احتمالاً با ذهنیت پسین بوده است که از واژه حکومت و حاکمیت در

<sup>۱</sup> احزاب ۶

<sup>۲</sup> شوری ۲۳۸

<sup>۳</sup> آل عمران ۱۵۹

<sup>۴</sup> مائده ۶۷

<sup>۵</sup> ۲۳ و ۵۵ و ۷۹ آل عمران ۶۰ و ۱۰۵ و ۱۱۳ و ۱۴۱ و ۲۱۳ بقره، ۲۳ و ۴۷ و ۴۹ و ۷۸ و ۶۹ انعام

قرآن کریم، آنجا که درباره خداوند و یا برخی پیامبران به کار رفته است، دولت فهمیده شده است. در عین حال می توان گفت که حکومت در هر معنا، درباره خدا و پیامبر(ص) درست و صادق بوده است یعنی وقتی گفته می شود: (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ<sup>۱</sup>: فرمان جز به دست خدا نیست و یا لَهُ الْحُكْمُ<sup>۲</sup>: داوری از آن اوست) درباره ذات باری راست می آید. می توان از برخی از آیات قرآن کریم پاره ای از شرایط حکومتگران مانند: عدالت<sup>۳</sup>، امین بودن<sup>۴</sup>، توانا بودن<sup>۵</sup> و.. تکالیف و وظایف آنان مانند: مشورت<sup>۶</sup>، حفظ حرث و نسل<sup>۷</sup>، جلوگیری از تسلط بیگانگان (قاعده نفی سبیل)<sup>۸</sup> استخراج کرد. در حدیثی از پیامبر(ص) آمده است: اگر حداقل سه نفر هم سفر شوند، حتماً یکی از سه نفر را امیر و رئیس خود قرار دهید. از اینجا می توان فهمید از نظر آن حضرت، هرج و مرج و فقدان قوه حاکم بر اجتماع، که منشأ حل اختلافات و پیوند دهنده افراد اجتماع با یکدیگر باشد، چه اندازه زیان آور است. ارزش و اهمیت حکومت را از توجه خاص پیشوایان معصوم و رهبران دینی نیز می توان به دست آورد. افرادی مانند امیرالمومنین(ع) که جان خویش را از هر گونه آلودگی پاک و منزّه داشته بود، حکومت را به عنوان ابزار کارآمدی در جهت عینیت یافتن آرمان های الهی، مقدس می شمرد، تا جایی که از شمشیر زدن برای حفظ و نگهداری اش دریغ نداشتند و بر این عقیده بودند که "جامعه و مردم اصلاح نمی شوند مگر آنکه حاکمان اصلاح گردند". جایگاه دولت در قوانین اسلامی آن قدر بدیهی و مهم است که در این مورد گوستاولوبون فرانسوی می گوید: قرآن کریم، که کتاب آسمانی مسلمین است، منحصر به تعالیم و دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است.

حکومت، موهبت الهی اطلاق مُلک شامل هر مُلکی اعم از حق یا باطل می شود و تمام اقسام آن به خداوند مستند است؛ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُعْطِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ مَلِكٌ فِي حَدِّ نَفْسِهِ، موهبتی از مواهب الهیه و نعمتی از نعم اوست که می توان به وسیله ی آن، آثار نیکویی در اجتماع انسانی پدید آورد و خداوند متعال گرایش به آن را در انسان ها قرار داده است. از طرفی هم می توان گفت: ملکی که نا اهلان دارند، ذاتاً مذموم نیست، بلکه خود آن ها مذموم هستند که حکومت را وسیله ی ستم قرار داده

<sup>۱</sup> انعام ۵۷

<sup>۲</sup> انعام ۶۲ و قصص ۷۰

<sup>۳</sup> مائده ۴۲

<sup>۴</sup> قصص ۲۶

<sup>۵</sup> قصص ۲۶

<sup>۶</sup> شوری ۳۸ و آل عمران ۱۵۹

<sup>۷</sup> محمد ۲۲

<sup>۸</sup> نساء ۴

اند. بدین جهت، حضرت یوسف (ع) در برابر نعمت ملک و سلطنت، از خداوند فرجام نیکو تقاضا می کند؛ ربّ قدّ ائیتنی من الملک ... توفّنی مسلماً، اما هنگامی که خداوند به نمرود سلطنت عطا می کند، وی در برابر حضرت ابراهیم (ع) می ایستد و مبارزه می کند؛ (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ<sup>۱</sup> : آیا از (حال) آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود (و بدان می نازید، و) در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجّه (می) کرد، خبر نیافتی؟) حکومت از دیدگاه موحد و مشرک خداوند: حکومت مصر را به دو نفر عطا کرد: فرعون و یوسف. وقتی حکومت مصر را به فرعون دادند، به خود اضافه کرد و گفت: ائیس لی ملک مصر و در نتیجه خوار و ذلیل گشت، اما حضرت یوسف ع ملک مصر را به خداوند اضافه کرد و گفت: ربّ قدّ ائیتنی من الملک و در نتیجه عزیز گشت.

### تعریف آیات الاحکام حکومتی

آیات الاحکام، آیاتی است که به احکام فقهی و تکالیف عملی در خصوص تشکیل و اداره حکومت ارتباط دارد به عبارت دیگر، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می شود که بیان گر احکام عملی اسلام در خصوص آیین حکومت باشد.<sup>۲</sup>

### ارکان تشکیل حکومت

بر اساس یکی از مشهورترین نظریه ها هر حکومتی به سه رکن اساسی نیاز دارد، و بدون آن قادر به ادامه ی حیات نیست:

۱- رکن تقنین (قانون گذاری)

۲- رکن اجرایی

۳- رکن قضایی

حکومت، نخست باید قوانینی را داشته باشد که مشکلات جامعه را حل کند و روابط مردم با یکدیگر در پرتو آن روشن گردد و چرخ های اجتماع را در مسیر ترقی و تأمل به گردش درآورد، بگذریم از این که مبدأ و سرچشمه ی این قانون گذاری چیست؟ که گاهی وحی است، و زمانی اراده ی یک فرد بر اطرافیان او، و زمان دیگری مجالس قانون گذاری که به جای خود سخن خواهد رفت.

حتی جوامعی که بر اساس قوانین الهی اداره می شود و قوانین آنها فقط از مبدأ وحی سرچشمه می گیرد نیز به قوه ی مقننه احتیاج دارند، تا قوانین کلی الهی را بر نیازهای روزمره ی آنها تطبیق کند، و در مسایل جزئی و

<sup>۱</sup> بقره ۲۵۸

<sup>۲</sup> مدیر شانه چی، کاظم، آیات الاحکام، قم، چاپ مهر، ۱۳۷۸، ص ۲.